



مکاسب محرمة / حفظ کتب ضلال

بسم الله الرحمن الرحيم

حفظ کتب ضلال - نگهداری کتاب‌هایی که منشأ گمراهی و ضلالت می‌شود - عنوانی است که بحث از آن در کتب فقهی و در کلام فقها دارای سابقه زیادی است اما بر خلاف مباحثی همچون تنجیم و تطفیف که با همین عنوان در آیات و روایات مطرح هستند، این مبحث با همین عنوان در آیات و روایات مطرح نشده است. منشأ ورود این مسئله به مباحث فقهی و محل بحث از آن در بعضی کتب فقهی در باب غنایم جنگی است که ضمن بحث از غنایم جنگی این سؤال مطرح شده است که اگر کتب ضلال مانند انجیل و تورات محرّف به غنیمت گرفته شد، حفظ و تملک آنها چه حکمی دارد البته غالباً جایگاه این بحث در کتب فقهی باب مکاسب محرمة است و غالباً هم با همین عنوان حفظ کتب ضلال از آن بحث کرده‌اند اما گاهی عده‌ای با عنوان کتابت یا نشر کتب ضلال و یا اینکه در کلام بعضی استثنائاتی از قبیل یحرم حفظ کتب الضلال الا للنقض والردّ یا والحجة علیهم یا للتقیه و یا للضرورة و امثال این به عنوان اضافه شده است. البته در اینکه اضلال ناس یعنی هر کاری که موجب گمراهی دیگران شود از نظر شرعی ممنوع است، هیچ بحث و اشکالی نیست بلکه بحث در این است که حفظ کتب ضلال چه نسبتی با این اضلال دارد.

عدم موضوعیت عنوان حفظ

کلمه حفظ که در عنوان مطرح شده است، موضوعیت ندارد برای این که در هیچ یک از ادله عنوان حفظ و نگهداری وارد نشده است و لذا بحث شامل کتابت و نسخه‌برداری و همچنین نشر و ترویج این کتب هم می‌شود البته همان‌طور که در ادامه می‌آید شامل سی دی و نوار و غیره می‌شود که حفظ در هر کدام به حسب خود باید ملاحظه گردد.

عدم موضوعیت عنوان کتاب

کتاب عنوان دیگری است که در این بحث مطرح است و به آن مفهوم سنتی و کلاسیک موضوعیت ندارد بلکه بحث شامل نرم‌افزار، فیلم، کتابهای الکترونیکی و از این قبیل موارد می‌شود.



انواع ضلال متصور در محل بحث

در ضلال هم که عنوان سوم در محل بحث است چند بحث مطرح است که آیا مراد از ضلال، ضلال اعتقادی و آن هم در اصول اعتقادی است یا اینکه مراد مطلق ضلال اعتقادی چه در اصول و چه در غیر اصول است؟ آیا عنوان ضلال شامل ضلال اخلاقی و عملی هم می‌شود؟ آیا عنوان ضلال شامل تشکیک در احکام و فروع دین هم می‌شود؟

نسبت عموم و خصوص من وجه بین ضلال و باطل

نکته دیگر که در باب ضلال مطرح است نسبت بین ضلال و باطل است که نسبت بین آن دو عموم و خصوص من وجه می‌باشد، ممکن است باطلی باشد که موجب گمراهی نمی‌شود مثل اینکه در کتابی مطلب باطلی باشد که در جامعه هیچ تأثیری نگذارد و ضلال بالفعل نداشته باشد و از آن طرف هم ممکن است چیزی حق باشد ولی مضل باشد، ممکن است در دسترس کسانی قرار بگیرد که به دلیل عدم درک صحیح نسبت به آن موجب ضلالت می‌شود.

ادله حرمت حفظ کتب ضلال

دلیل اول آیه شش سوره لقمان

اولین آیه‌ای که به آن بر حرمت استدلال شده است آیه «وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَاتَّخِذَهَا هُزُوًا أُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ»^۱ می‌باشد که شأن نزول آیه طبق آنچه در کتب روایی آمده است این است که شخصی برای این که مردم را از شنیدن قرآن و توجه به آیات وحی بازدارد قصه‌هایی از اقوام و فرهنگ‌های غیر اسلامی روم و فارس جمع کرده و نقل می‌کرد و عده‌ای هم جمع می‌شدند و به آن گوش می‌دادند و همین موجب می‌شد که به سمت قرآن نروند و قرآن را نشنوند. البته معمولاً شأن نزول‌ها سند معتبری ندارد

^۱ لقمان/۶



لحن آیه با توجه به وعده عذاب لحن حرمت است و دلالت بر حرمت خرید و فروش می کند که حرمت شراء ملازمه عرفی با حرمت نگهداری و حفظ می کند البته آقای خوبی در این ملازمه تشکیک کرده است.

تبیین دلالت آیه بر حرمت

هر چند در ظاهر آیه نهی وجود ندارد اما به دو دلیل آیه دلالت بر حرمت به صورت کبیره می کنند.

۱. دلیل اول وعده عذاب در آیه است که قدر مسلم شامل مضیل می شود.

دلیل دوم سیاق و لحن آیه است که این لحن و خطاب، لحن حرمت است نه خطاب همراه با عتاب و مذمت یک امر تنزیهی و کراهی. البته لحن و سیاق و وعده عذاب در آیه بعد هم مؤید این مطلب است.

مراد از اشترا: خرید و فروش

در اینکه اشترا در آیه به چه معناست دو احتمال بیان شده است که احتمال اول درست است
اشترا به معنی بیع و شراء است، البته شراء گاهی به معنای خرید است و گاهی هم به معنای مطلق دادوستد می باشد که مراد از شراء همین معنای مطلق آن است.
احتمال دوم که قائل این احتمال مرحوم ایروانی و بعضی دیگر هستند، «یشتری» را به معنای یتعاطی می دانند و اینکه هر نوع ارتباط و تعامل و بهره گیری-البته نه به معنای دادوستد- از حدیث لهُو را شامل می شود.

معنای لهُو در آیه و ارتباط آن با لعب

مراد از لهُو هر فعل یا شی دانی و پست است که انسان را از امر بالاتر و عالی و ارزنده تری غافل کند همچنان که در آیه «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُلْهِكُمْ أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ»^۲، اموال و اولاد امر دانی است و ذکر خدا امر عالی است. پس هر وقت که چیزی انسان را از یک امر بهتر و بالاتر باز بدارد لهُو و ملهی می شود.
لعب هم به معنای بازی و سرگرمی است که غرض عقلایی در آن نباشد. ولی گاهی آن معنا تعمیم پیدا کرده و به هر چیزی در مقابل غرض اصلی نسبت به آن، غرض مهمی نداشته باشد اطلاق می شود ولی در هر صورت ترکیب در

^۲ منافقون ۹



مفهوم لعب در همان عدم غرض عقلانی است و نکته ملحوظ در لهو، این است که مانع از یک غرض برتر در ادامه زندگی باشد.

تقسیم لهو به حرام و مکروه

نمی‌توان به طور عام گفت که هر لهوی حرام است برای این که خیلی از ممارسات زندگی و اعمال و رفتارهای مادی و دنیایی، انسان را از خداوند غافل می‌کند ولی نمی‌توان هر چیزی که انسان را غافل از خدا می‌کند حرام دانست. بلکه هر گاه لهو انسان از یک وظیفه فعلی منجز بازدارد آن لهو حرام می‌شود اما چیزی که انسان را از وظیفه فعلی منجز باز نمی‌دارد و واجبات خود را مانند نماز و جهاد را انجام می‌دهد ولی بر پیشرفت‌ها و ترقیات معنوی اثر می‌گذارد و جلوی آن را می‌گیرد و مانع آن می‌شود و یا اینکه می‌توانست در صورت عدم انجام این لهو به سمت مسائلی برود که او را متذکرتر بکند در این صورت این لهو مکروه است.

مراد از لهو در آیه شریفه

یک نوع ناسازگاری اولیه‌ای که معمولاً در ادله هست در آیه سوره لقمان نیز وجود دارد در آیه، عبارت لهو به صورت مطلق آمده است ولی مطلق لهو را نمی‌توان حرام است و از طرفی دیگر بیان آیه، بیان تحریمی است، چون ظهور آیه در تحریم و حرمت لهو، قوی است پس برای برطرف کردن این ناسازگاری باید لهو را به معنای خاص آن که حرام است گرفت و گفت که مقصود از این لهو کاربرد تحریمی آن است و پرداختن به مطلق لهو نیست و به قرینه «لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ» مراد لهوی است که در مسیر اضلال قرار گرفته است و هر لهوی که در مسیر هدایت دیگران مانع ایجاد کند و موجب گمراهی آنها شود حرام است